



تقریباً همه کارشناسان بر این باورند که کیفیت آموزش در مدارس کشور اتفاق نظر دارند. نتایج آزمون‌های بین‌المللی و حتی نتایج آزمون نهایی هم گواهی بر همین مسئله است. راهکارهای شما برای بهبود کیفی آموزش در کشور چیست؟

کیفیت آموزش در گروه مقدمات فراوانی است که باید ببینیم چه مقدار از این اقدامات در کنترل وزارت آموزش و پرورش است و چه تعدادش نیست. من هم می‌پذیرم که در جاهایی کیفیت آموزش به اندازه انتظار مردم نیست و باید هر چه می‌توانیم کوشش کنیم کیفیت آموزش را بالا ببریم. یکی از مواردی که کیفیت آموزش را بالا می‌برد، ایجاد رابطه بین فرایند آموزش و سنجش است. اتفاق بدی که در کشور ما در طول دو دهه اخیر افتاد، این بود که سنجش آموزش و پرورش از نظام تعلیم و تربیت عمومی به خاطر کنکور منکف شد و رفته رفته کنکور، خودش استاندارددهایی را بر آموزش ما تحمیل کرد، به گونه‌ای که کنکور اهدافی غیر از برنامه درسی ملی را دنبال می‌کرد و در نتیجه کتاب معلم و مدرسه که تنها مؤلفه‌های مشترک در تمام مدارس کشور هستند، به مرور زمان رنگ باختند و مؤسسات کنکوری و کتاب‌های کمک‌درسی مبنای پذیرش در دانشگاه‌ها شد. این ماجرا به حدی پیش رفت که در مقاطع پایین‌تر مثل متوسطه اول و حتی دوره ابتدایی نفوذ کرد و خطر کنکور به عنوان عاملی که نظام آموزش کشور را تحت الشعاع قرار داده است، به یک خطر جدی و ملی تبدیل شد. از اقدامات بسیار مهم این دولت اجرای مصوبه ضریب تأثیر قطعی امتحانات نهایی داوطلبان در کنکور سراسری بوده؛ مصوبه‌ای که دو مجلس آن را تصویب کرد و دو دولت را به خود دید اما به دلیل حواشی و پیامدهایی که این جراحی به دنبال داشت، از اجرای آن صرف‌نظر شده بود. یکی از عهده‌های این دولت با ملت این بوده است که به خاطر آینده، امروز را فدا نکنند. ما مکلف هستیم در این فرصتی که داریم، هر چه می‌توانیم خدمت کنیم، بنابراین مصوبه تأثیر سوابق تحصیلی بر کنکور را اجرا کردیم تا درهای دانشگاه‌های بزرگ کشور به روی همه دانش‌آموزان باز شود، اما این پیامد اصلی نبود. آنچه دنبالش بودیم یک سنجش ملی قابل اعتماد و قابل اتکا برای برنامه‌ریزی‌های آینده بود. ما به دلیل اینکه مدارس متعدد و متنوعی داریم که این هم یکی از مشکلات نظام آموزش و پرورش کشور است) سنجش قابل اعتمادی از وضعیت علمی کشور نداریم. در یک دهه اخیر، نمرات امتحانات پایانی داوطلبان دوره متوسطه دوم به ویژه کلاس دوازدهم پایین آمده است، مثلاً از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ دائماً

## تقصیر ما چیست شهر بدون مدرسه می‌سازند!

علل افت کیفیت و بی‌عدالتی آموزشی

در گفت‌وگوی وزیر آموزش و پرورش با «جوان»

■ مهسا گربندی

سال به سال گذشت و کیفیت آموزش افت کرد. آموزش و پرورش از گذشته تا کنون هیچ‌وقت به وضعیت مطلوب نرسیده و بدتر اینکه اساس آموزش را یگان با کیفیت به فراموشی سپرده شده است. هر چه زمان گذشت، شکاف آموزشی بیشتر از قبل شد، اما مگر نه اینکه آموزش و پرورش اثرگذارترین رکن در آینده‌سازی کشور است. این جمله را به کرات از زبان مسئولان شنیده‌ایم اما در عمل شرایط به گونه دیگری رقم خورده است. اگر کارها در وزارت آموزش و پرورش خوب پیش برود و ساز و کار مناسبی برای به نتیجه رسیدن طرح‌ها وجود داشته باشد، مدارس نیز برای ارتقای خود به تکاپو می‌افتند و آن وقت است که می‌توان امیدوار بود نسل آینده‌ساز کشور در مسیر درست تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد، چراکه بهترین و طلایی‌ترین سال‌های عمر کودکان و نوجوانان در مدارس سپری می‌شود. امروز آموزش و پرورش در ایران با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کند؛ مشکلاتی که دورانش در کشورهای توسعه‌یافته به سر آمده است. نداشتن منابع مالی مناسب، کمبود نیروهای توانمند و باانگیزه، رسیدگی نکردن بموقع به اعتراضات و تبه‌بندی معلمان، تأخیرهای طولانی در پرداخت‌های قانونی، همسویی نبودن برنامه‌های درسی با تغییرات جامعه، نداشتن انگیزه ادامه تحصیل دانش‌آموزان و ناامیدی آنها از آینده، تنها بخش کوچکی از این مشکلات به شمار می‌رود، بنابراین ایجاد تغییر و تحول در نظام آموزشی کشور یک ضرورت مهم است، اما برای این موضوع باید چه کار کرد؟ وقتی حتی رضامراد صحراپی، وزیر آموزش و پرورش نیز تلویحاً در گفت‌وگو با «جوان» به این مسئله اشاره دارد که مدارس آن طور که باید کانون توجه نبوده‌اند.



فصل هشتم سند تحول بنیادین تأکید دارد تمام دستگاه‌ها و نهادها اعم از دولتی و غیردولتی، باید در تحول آموزش و پرورش نقش آفرینی کنند. باعث تأسّف است که از روز نخست تصویب سند تحول بنیادین دستگاه‌های دیگر نیامدند یا فضایی ایجاد نشد که نقش خودشان را ایفا کنند



اولین پیامد تأثیر سوابق تحصیلی بر کنکور این شد که سهم استان‌هایی که زیر ۲۵/۰ درصد بود، به طور محسوس افزایش یافت. مثلاً سهم استان سیستان و بلوچستان در تعداد ۳ هزار صندلی برتر دانشگاه‌ها پس از اجرای این مصوبه، سه برابر شد، اینها یعنی مقدمات ارتقای کیفیت فراهم شده است



امروز تمام معلمان کشور می‌دانند که عملکردشان متناسب با عملکرد دانش‌آموزان شان در سنجش‌های ملی تحلیل خواهد شد؛ به آنها اعلام می‌شود میانگین معدل دانش‌آموزان آنها چند بوده است و حتی اینکه نسبت به نقاط مختلف کشور چه جایگاهی دارند. در نهایت به جای اینکه همه ظرفیت‌های آموزشی در خدمت کنکور و قبولی در آن باشد، به خدمت برنامه درسی می‌آیند

بر یادگیری تأثیری عمیق دارد و حتی گفته می‌شود فضای آموزشی، معلم سوم است. ۶۸ هزار کلاس تحویل دانش‌آموزان منطقه محروم شده است. همچنین نزدیک هزار مدرسه کانکسی ایجاد شده و همه این کارها برای مدارس عادی دولتی بوده است همچنین موضوع فضای ورزشی درون مدرسه‌ای را مدنظر قرار دادیم و طرحی به نام طرح شهید سلیمانی در این دو سال اجرا شد. بالغ بر ۲ هزار و ۱۰۰ فضای ورزشی درون مدرسه‌ای که بیش از هزار موردش چمن مصنوعی است نیز تحویل دانش‌آموزان مدارس عادی دولتی داده شد. از همه اینها مهم‌تر موضوعی است که تحت عنوان بسته‌های یادگیری در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی در دست اجراست و تلاش می‌کنند مسائلی که کیفیت آموزش را پایین می‌آورند جبران کنند، البته این آغاز راه است.

## مدارس را کارنامه‌دار می‌کنیم

نقشه اجرای سند تحول بنیادین چه زمانی منتج به ارتقای کیفیت آموزش در کشور خواهد شد؟

در حال حاضر در برخی از برنامه‌های انجام‌شده ارتقای کیفیت آموزش در آن محسوس است، مثل مقطع فنی و حرفه‌ای. امسال ۱۰۰ هزار دانش‌آموز فنی و حرفه‌ای اضافه شده و این یعنی ۱۰۰ هزار نفر از بیکاری سال‌های آینده نجات پیدا کرده‌اند، چون ضریب اشتغال بچه‌های فنی و حرفه‌ای بسیار بالاست یا مثلاً در موضوع آموزش مهارت به دانش‌آموزان، غیر از دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای، رشته‌های دیگر نیز مثل ریاضی و تجربی باید مهارتی را یاد بگیرند. در این برنامه دیده شده است که هر دانش‌آموز در سال چقدر آموزش ببیند. زمانبندی به مفهوم اینکه از کدام نقطه به کدام نقطه می‌رسیم، قابل بیان نیست چرا که دائماً دانش‌آموز داریم و این تدریجی است. مؤلفه‌های تحول در حقیقت بعضی دفعی هستند که اجرا و



همانطور که می‌دانید یکی از دلایل پایین بودن کیفیت آموزش کشور نداشتن معلم هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی است. در این رابطه چه اقدامی انجام شده است؟

یک زمانی ۳۰۰ هزار معلم تقریباً بدون گذراندن مراحل جذبی که امروزه داریم وارد آموزش و پرورش شدند، اگرچه بسیاری از آنها معلمان ما هستند اما نیاز به آموزش‌های جدی دارند. معلم خوب می‌تواند بسیاری از کاستی‌های نظام آموزشی را جبران کند، به همین دلیل مجموعه سیاستی با عنوان سیاست‌ها و ضوابط کیفیت‌بخشی دانشگاه فرهنگیان از سوی رئیس‌جمهور محترم ابلاغ شد که محصول آن، برگزاری آزمون اختصاصی تربیت معلم و همچنین تحول نظام برنامه درسی و طراحی کلان تربیت معلم کشور است. همچنین پذیرش دانشگاه فرهنگیان افزایش می‌یابد، طبیعتاً معلمانی که از آنجا می‌آیند در نظام آموزشی کشور (معلمان فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگیان) تحت عنوان معلمان تراز به آنها نگاه می‌شود چرا که چهار سال در آن محیط بوده و تربیت شده‌اند.





تمام شده است، مثلاً گفتیم باید دانشگاه تربیت معلم تأسیس کنیم، تأسیس کردیم. این خودش موفقیت بوده است، ولی در مسیر کیفیت قرار نگرفت، البته می‌دانم که آموزش‌وپرورش هر روزش باید باکیفیت‌تر از قبل باشد. این حرف شما درست است و اگر ادامه پیدا کند، به مطالبه ملی تبدیل می‌شود.

**وزرای پیشین آموزش‌وپرورش هم برنامه‌هایی داشتند و می‌گفتند قصدار تقای کیفیت آموزش را دارند، اما نتیجه اقداماتشان رضایت‌بخش نبود.**

شما در سال‌های مختلف، مدیریت کنونی شکل گرفته برای ارتقای کشور را نمی‌بینید. با توجه به نمرات امتحانات نهایی، داده‌هایی قابل اعتماد داریم که باید بر اساس آنها برنامه‌ریزی آموزشی داشته باشیم. قرار است به مدارس کارنامه داده شود، به عنوان مثال نمره ریاضی هر مدرسه در امتحانات نهایی تا چه سطح و اندازه بوده است و معلمان باید برای افزایش سطح کیفی آن درس، برنامه داشته باشند.

**یعنی همه مدارس کارنامه‌دار می‌شوند؟**

چیزی شبیه کارنامه برای مدرسه‌ها صادر شده و هدف ارتقای کیفیت است. نهضتی که امروز شکل گرفته این است که من چگونه می‌توانم وضع کنونی خودم را یک پله ارتقا دهم. پیش‌تر چنین دستمایه‌ای برای تصمیم به این بزرگی وجود نداشت.



**طرح و تهیه‌بندی اجرا شد تا کیفیت آموزش را ارتقا دهد. عموم معلمان نسبت به شکل اجرایی این طرح گلایه‌هایی داشته و دارند. اینها نشان می‌دهد و تهیه‌بندی نتوانسته است در جهت افزایش کیفیت آموزش حرکت کند.**

تهیه‌بندی یک اتفاق بزرگ در تاریخ تعلیم‌وتربیت کشور بود. برای دیدن نتایج آن نباید عجله کرد. کارهای بزرگ اثرات‌شان تدریجی پدیدار می‌شود. این طرح سه هدف داشت که یک هدف آن ارتقای کیفیت آموزش کشور بود. هدف دیگرش، ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای و تخصصی معلمان بود. علاوه بر آن قرار بود، ارتقای شأن و منزلت معلمان و تقویت معیشت آنها نیز با طرح تهیه‌بندی رقم بخورد که بدون قرار می‌گیرند. یک بعد از آن ارتقای کیفیت آموزش‌و‌و‌اثرش در کلاس است که اگر معلم می‌خواهد تیرهاش را بالاتر ببرد، باید در زمینه آموزش دانش‌آموزی این کار، مقدماتی برای ارتقای کیفیت آموزش است. در دید در این هدف موفق عمل شده است. امروز آیین‌نامه مسیر رشد معملی در حال نهایی شدن است که مطابق آن معلمان در مسیر ارتقا قرار می‌گیرند. یک بعد از آن ارتقای کیفیت آموزش‌و‌و‌اثرش در کلاس است که اگر معلم می‌خواهد تیرهاش را بالاتر ببرد، باید در زمینه آموزش دانش‌آموزی این کار، مقدماتی برای ارتقای کیفیت آموزش است. دوره متوسطه اول درباره معلمان‌شان نظر خواهی و نتیجه آن به عنوان کارنامه عملکردی به معلمان داده می‌شود تا تفاوت‌ب‌دانش‌آموزان درباره کیفیت آموزش خودشان را از چشم دانش‌آموزان‌شان ببینند. بدون هیچ تردیدی این کار، مقدماتی برای ارتقای کیفیت آموزش است. من خودم به شخصه به عنوان یک استاد، بارها در دانشگاه این مسئله را تجربه کرده‌ام؛ وقتی در انتهای هر ترم، از رتبه‌بندی دانشجویان از خودم را می‌دیدم، بر رفتارم در ترم بعدی تأثیر مستقیم می‌گذاشت. وقتی دانش‌آموز می‌گوید معلم برایش وقت کمی گذاشته است، معلم متوجه می‌شود که باید برای او وقت بیشتری بگذارد یا اگر معلم در جایی جواب سؤال را نداده یا جوابش قانع‌کننده نبوده است، آن را در این ارزشیابی دریافت می‌کند و به طور طبیعی سعی در ارتقای کیفیت آموزش خود خواهد داشت.

**شماره بخشی از صحبت‌های تان گفتید که زمان لازم است تا بتوانیم اثرات اقدامات در جهت افزایش کیفیت آموزش را ببینیم، اگر بخواهیم از دید خانواده‌ها به این ماجرا نگاه کنیم، آنها خواهند گفت سال‌هاست منتظر ارتقای کیفیت آموزش مانده‌اند اما شرایط مناسبی رقم نخورده است. آنها چه زمانی می‌توانند نتیجه این اقدامات را ببینند؟**

معتمدقم نتیجه رویتایی هر اقدامی خیلی سریع دیده می‌شود اما اگر بخواهد به رفسار تبدیل شود، این تغییر باید چندین سال ادامه پیدا کند که نظام آموزش‌وپرورش و نظام آموزش عالی را تحت‌الشعاع قرار دهد. این افت کیفیت طی یک سال و دو سال اتفاق نیفتاده است بلکه در فرآیندی تدریجی، افت کیفیت رقم خورده و به حدی رسیده که در بعضی جاها محسوس است. من دالماً به مدارس سر می‌زنم. هر سفر استانی گروه اولی که دیدار با آنها دارم، دلش‌آموزان هستند. پای صحبت دانش‌آموزان سر آمد و ممتاز می‌نشینم، معتمدقم کیفیت ما آن گونه که گفته می‌شود پایین نیست چراکه در همین نظام آموزشی المپیادی‌ها رشد می‌کنند و در جهان برجسته هستند و ما در پله‌های نخستینی را در دست گرفته‌ایم. همان‌هایی که در شرکت‌های دانش‌بنیان کار می‌کنند از همین مدارس هستند.

**خب اینها موارد خاص و استثنا هستند، و گر نه نمرات امتحان نهایی پایین بودن کیفیت آموزش را به تصویر کشیده است.**

نه، نمرات امتحان نهایی سیمای آموزش کشور را نشان داد و همین سیمای آموزش کشور نمره بالای ۵۰درصد داشت.

**منظور تان از بالای ۵۰درصد چیست؟**

عدهای وقتی دیدند میانگین نمره متلافیزیک در کشور ۱۰ است، شروع کردند به انتقاد که وقتی میانگین نمره فیزیک کشور کم شده است، این بچه‌ها چگونه می‌خواهند به دانشگاه بروند، اما میانگین نمره فیزیک، شیمی و ریاضی در سالیان متمادی در کشور سراسری بین ۷/۵ تا ۹/۹درصد است و میانگین نمره فیزیک کشور ۱۰ از ۲۰ شد که این عدد در معادل‌سازی با میانگین سطح پاسخ به سوالات کتک‌وَر یعنی ۱۰درصد.

**اما از مون چهار گزینهای را نمی‌توان با آزمون تشریحی قیاس کرد و این دو بایم تفاوت دارند.**

اگر قرار باشد وجه مثبت عملکردمان را بینیم، دل‌ما بر آن چیزی که باید باشیم و نیستیم، متمرکز شویم، وجه مثبت عملکرد هم از بین می‌رود، تعداد قابل توجهی از معلمان را داریم که سعی می‌کنند هر روز بهتر از دیروز باشند. این را باید دید و البته معلمی که اینطور نبوده است را هم حتماً باید دید. بیم من از این است که مبادا فضای یأس در کشور ایجاد شود. اخیراً به شهرستان زاوه در استان خراسان‌رضوی رفتم که یکی از محروم‌ترین شهرستان‌های کشور است. ۳درصد تبه‌های زیر ۱۰۰کنکوری سراسری را این شهرستان گرفته است. این دانش‌آموزان را چه کسی تربیت کرده است؟ مگر همین معلمان‌عادی نبوده‌اند؟ البته هر دانش‌آموز موفق نتیجه تلاش‌های خودش را می‌بیند. «نیش لُژرستان الّآمانشی»

انامش معلم آن را نباید نادیده گرفت. به عقیده‌م فرآیند ارتقای کیفیت آموزش شروع شده است. نشانه‌اش این است که ما امروز پرورنده ارزیابی مدرسه را باز کرده‌ایم. بعد از ۱۲سال، نگاهت‌مدرسه‌ای سند تحول نهایی شده و قرار است ابلاغ شود. بنده معتمدقم جوهره استراتژی، تمرکز است و اگر بر چیزی تمرکز شود، غیرممکنی وجود ندارد. ممکن است به همه هدف‌ها نرسیم اما بدون تردید تا حد قابل توجهی به آنها دست می‌یابیم. تمرکز بر سند تحول بنیادین در این دو سال به طرز محسوسی قابل مشاهده است. اینکه کل‌وزارت آموزش‌وپرورش از یک سو

و نهادهای پشتیبان مثل مجلس، شورای عالی فرهنگی، از سوی دیگر بر سند تحولی متمرکز شده‌اند و نگاهت‌نهادی سند در آمده، این یعنی اینکه قطار تحول از ایستگاه‌حرکت کرده است و می‌خواهد به لوج‌سرعت خودش برسد. هر چند وزرای پیشین که بعد از سند تحول بنیادین سرکار آمده‌اند نیز در مورد اجرای آن خیلی تلاش کرده‌اند اما اکنون تمرکز کمی که بر سند وجود دارد، کم‌سابقه و حتی می‌توان گفت بی‌سابقه است.



**این حرف درست است که دانش آموزی در منطقه حاشیه‌ای حتی حاشیه تهران در کلاس‌های ۵۰نفره درس می‌خواند و در مقابل برخی جاها شرایط آموزشی بهتری دارد، این نقطه کلیدی است که باید حل شود و ما دنبالش هستیم. ما امکانات موجود را به سمت جاهایی که نیاز دارند، سرریز می‌کنیم و از حاشیه‌ها به سمت مرکز می‌رویم**

**چرا آن را بی‌سابقه می‌دانید؟**

ما دو برنامه توسعه را گذرانده‌ایم اما سند تحول در رونش مقایسه نشده است. در برنامه توسعه هفتم، حکمی تحت‌عنوان آموزش‌وپرورش به مثابه امر ملی آمده و به دولت و مجلس تکلیف کرده است که تقسیم کار ملی تحول آموزش‌وپرورش کشور نوشته شود و این کار شروع شده است. می‌خواهم از خانواده‌ها خواهش کنم به کمک مدرسه بیایند. خانواده‌ها خودشان و سهم خودشان را در ارتقای کیفیت ببینند، چون ارتقای کیفیت آموزش فقط وظیفه مدرسه و دولت نیست. خانواده هم سهمی از ارتقای کیفیت آموزش دارد، بنابراین تقسیم کار ملی تحول آموزش‌وپرورش باید به مسئله خانواده‌ها هم تبدیل شود و خانواده‌ها باید سهم خودشان را در ارتقای کیفیت بچه‌های‌شان ببینند.

**سهم خانواده‌ها چقدر است؟**

نمی‌شود درصد داد، اما بیش از این باید باشد. اساساً باید درک کنیم که این عبارت غلطی است که خانواده‌ها شریک آموزش‌وپرورش در تربیت بچه‌ها هستند. این ماهستیم که شریک آنهایم.

**گفتید فرآیند تحول شروع شده و این قطار حرکت کرده است، از طرح‌ها و برنامه‌های تان هم گفتید، منتها این برنامه‌ها باید طرح وزمانبندی هم داشته باشد.**

سند تحول نیاز به یک نقشه راه دارد. در نقشه راه دو چیز می‌خواهیم، شاخص و زمانبندی و خوشبختانه پیش‌نویس سند تحول بنیادین آماده شده و در دستور کار شورای تخصصی آموزش‌وپرورش قرار گرفته و شاخص‌ها در آمده است. نکته بعدی تقسیم کار ملی است. فصل هشتم سند تحول بنیادین تأکید دارد تمام دستگاه‌ها و نهادهای عم از دولتی و غیردولتی، باید در تحول آموزش‌وپرورش نقش آفرینی کنند. باعث تأسف است که از روز نخست تصویب سند تحول بنیادین دستگاه‌های دیگر نماندند یا فضای ایجاد‌نشده که نقش خودشان را ایفا کنند. یکی از وظایف آموزش‌وپرورش نهادهای‌سازی تحول است. ما یکی از کارهایی که توانستیم انجام دهیم این بود که نگاهت‌نهادی سند تحول را انجام دادیم. یعنی این سند تحول که ۲۲هدف کلان و ۱۳۱راهکار دارد و برای اجرا شش زیر‌نظام برایش تعریف شده است را که ۴۵۸برنامه دارد، مورد بررسی قرار دادیم که چگونه و از چه مسیری وارد اجرای سند تحول شویم؛ از مسیر راهکارها، اهداف کلان، برنامه‌ها و زیر‌نظام‌ها، البته همین راه‌ما را در ۱۰سال گذشته رفته بودند و در هر کدام در صدی توفیق داشتند، اما ما آن را آسیب‌شناسی کردیم که چرا به طور کامل اجرا نشده است. این نکته مهمی است که باید گفته شود، سهم آموزش‌وپرورش در عدم تحقق اهداف سند تحول بنیادین به مراتب کمتر از سهم سایر دستگاه‌ها بوده است.

**ممکن است بعد از این هم اقداماتی انجام دهید و دستگاه‌های دیگر باز هم پای کار نیایند. آن وقت چه خواهید کرد؟**

ما در برنامه هفتم تقسیم کار ملی را به عنوان حکم قانونی آوردیم. در نگاهت‌نهادی سند به آن سه زاویه نگاه کردیم و به جمع‌بندی رسیدیم که هفت پروژه ملی تعریف کنیم: پروژه ملی مهارت، پروژه ملی تربیت و تأمین معلم، پروژه ملی ایجاد تجهیزات تربیتی، پروژه ملی اوقات فراغت، پروژه ملی انسداد مبادی بی‌سوادی، پروژه ملی گفت‌مان‌سازی سند تحول بنیادین و پروژه ملی سنجش و تضمین کیفیت، با دستور رئیس‌جمهور، ستاد راهبری و پشتیبانی اجرای سند تحول بنیادین در حضور آقای مخبر، معاون اول ایشان تشکیل شد. در جلسه اول، کلیات پروژه ملی مهارت تصویب شد که ۱۲دستگاه باید در آن نقشی آفرینی کنند. آقای مخبر تأکید کرد که این وظایف باید به تکلیف قانونی تبدیل شود. از اول هم اشکال کار این بود که سند تحول، سیاست است و باید به قانون تبدیل شود. باید حکم، اجرا و ترک‌فعل‌ها و حسن‌فعل‌ها در آن دیده شود. از سوی دیگر پیش‌نویس سند ملی مهارت آموزشی دانش‌آموزان در دستور کار دولت است. در این زمینه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وظایفی دارد، وزارت‌تخانه‌های علوم، صمت و کشاورزی هم‌مینظور. همچنین با دسواسیما نیز وظایفی دارد، بنابراین جواب سؤال شما این است، به لطف خدا نقشه اجرای سند تحول بنیادین در مرحله پایانی خودش است. شاید مهم‌ترین کاری که تا پیش از آغاز سال تحصیلی آینده باید به ملت شریف ایران و به ویژه جامعه تعلیم‌وتربیت عرضه کنیم، این نقشه است.

**عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر در آموزش‌وپرورش از بحران‌های جدی جامعه ماست. شکاف طبقاتی، نابرابری آموزشی ایجاد کرده است و همین نابرابری آموزشی، روزبه‌روز شکاف طبقاتی را تشدید می‌کند. در گذشته دانش‌آموز مستعد دهک‌های پایین می‌توانست از ظرفیت‌های آموزشی استفاده و بخشی از آن نابرابری را از میم و طبقه اجتماعی خودش را عوض کند، ولی امروز عکس این جریان روی می‌دهد. چرا ما به آموزش‌وپرورش رسیدیم که یک دانش‌آموز دوم ابتدایی در حاشیه شهر باید در کلاس ۵۰نفره بنشیند که معلم با کیفیت هم در آنجا وجود ندارد و در مقابل دانش‌آموز دیگری که در بالای شهر زندگی می‌کند با شهریه چندده میلیون تومانی آموزش با کیفیت بالا ببیند.**

اگر بگوییم چرا انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، حتماً جواب اول عدالت است و در مورد عدالت هم دولت‌های مختلف تلاش‌ناش‌انجام داده‌اند. ما وقتی می‌خواهیم درباره عدالت حرف بزنیم، باید به داده‌های گذشته مراجعه و آنها را با وضع حال مقایسه کنیم. معتمدقم مابه طوری که در مسیر عدالت آموزشی بوده‌ام، جاهایی توفیقات خوب و در جاهایی هم توفیقات کمی داشته‌ایم. این حرف درست است که دانش‌آموزی در منطقه حاشیه‌ای حتی حاشیه تهران در کلاس‌های ۵۰نفره درس می‌خواند و در مقابل برخی جاها شرایط آموزشی بهتری دارند، این نقطه کلیدی است که باید حل شود و ما دنبالش هستیم. ما امکانات موجود را به سمت جاهایی که نیاز دارند سرریز می‌کنیم و از حاشیه‌ها به سمت مرکز می‌رویم، بنابراین وقتی محدودیت داریم، به کسی که امکانات کمتری دارد، باید امکانات بدهیم تا او را بالا بکشیم، اما این را بگوییم که امروز در کشور حدود ۲۵هزار کلاس درس و مدرسه وجود دارد که تعداد دانش‌آموزانش زیر ۱۰ نفر است. تنها ۰/۳درصد از کلاس‌های کشور بالای ۵۰نفر هستند. چرائین اتفاق افتاده؟ امر عدالت، باید دلم روی این موضوع بکوشیم چون عوامل بیرونی بر آن اثر می‌گذارد. مثلاً در شهرستان‌های تهران به دلیل مهاجرت، تراکم کلاسی بالاست. از سوی دیگر کمبودفضا داریم. می‌توانیم معلم تأمین کنیم اما به تعداد کافی مدرسه نداریم. مدرسه هم طوری نیست که فوراً بشود آن را ساخت.

**شاید ۰/۳درصد از کلاس‌های کشور بالای ۵۰نفر دانش‌آموز داشته باشد، اما تراکم کلاسی در عمده مدارس دولتی بیش از استاندارد تعیین شده است.**

بله باید تراکم کلاسی استاندارد رعایت شود و در این موضوع باید یگر هم‌عقیده‌ایم، اما عاملش آموزش‌وپرورش است یا سایر نهادها؟

**حتی اگر عاملش وزارت آموزش‌وپرورش هم نباشد و دستگاه‌های دیگر نیز در آن دخالت داشته باشند، ما از شما انتظار داریم برای رفع آن تلاش کنید.**

حتماً بنده دو تکلیف دارم؛ یکی وزارت آموزش‌وپرورش و یکی عضو دولت. مثلاً در جایی ساختمان ساخته شده است ولی مدرسه نساخته‌اند، در حالی که برای مسکن مطالبه جدی می‌کنیم، اما به این قانون که به‌ازای هر ۲۰۰هزار مسکن باید مدرسه ساخته شود، کم‌توجهیم.

**شما به عنوان وزیر آموزش‌وپرورش می‌توانید نقش مهمی در بهبود شرایط داشته باشید.**

من فکر می‌کنم اگر تقسیم کار ملی به صورت رسمی تصویب شود، بخش‌عدهای آن مشکلات حل خواهد شد. ما پیگیر این کار خواهیم بود. جزو اهداف برنامه هفتم نیز هست. امیدوارم تا پیش از شروع سال تحصیلی جدید، تقسیم کار ملی آموزش‌وپرورش کشور روی میز دولت و قانون قرار گیرد.

**چرا آن را بی‌سابقه می‌دانید؟**

نمی‌شود درصد داد، اما بیش از این باید باشد. اساساً باید درک کنیم که این عبارت غلطی است که خانواده‌ها شریک آموزش‌وپرورش در تربیت بچه‌ها هستند. این ماهستیم که شریک آنهایم.

**گفتید فرآیند تحول شروع شده و این قطار حرکت کرده است، از طرح‌ها و برنامه‌های تان هم گفتید، منتها این برنامه‌ها باید طرح وزمانبندی هم داشته باشد.**

سند تحول نیاز به یک نقشه راه دارد. در نقشه راه دو چیز می‌خواهیم، شاخص و زمانبندی و خوشبختانه پیش‌نویس سند تحول بنیادین آماده شده و در دستور کار شورای تخصصی آموزش‌وپرورش قرار گرفته و شاخص‌ها در آمده است. نکته بعدی تقسیم کار ملی است. فصل هشتم سند تحول بنیادین تأکید دارد تمام دستگاه‌ها و نهادهای عم از دولتی و غیردولتی، باید در تحول آموزش‌وپرورش نقش آفرینی کنند. باعث تأسف است که از روز نخست تصویب سند تحول بنیادین دستگاه‌های دیگر نماندند یا فضای ایجاد‌نشده که نقش خودشان را ایفا کنند. یکی از وظایف آموزش‌وپرورش نهادهای‌سازی تحول است. ما یکی از کارهایی که توانستیم انجام دهیم این بود که نگاهت‌نهادی سند تحول را انجام دادیم. یعنی این سند تحول که ۲۲هدف کلان و ۱۳۱راهکار دارد و برای اجرا شش زیر‌نظام برایش تعریف شده است را که ۴۵۸برنامه دارد، مورد بررسی قرار دادیم که چگونه و از چه مسیری وارد اجرای سند تحول شویم؛ از مسیر راهکارها، اهداف کلان، برنامه‌ها و زیر‌نظام‌ها، البته همین راه‌ما را در ۱۰سال گذشته رفته بودند و در هر کدام در صدی توفیق داشتند، اما ما آن را آسیب‌شناسی کردیم که چرا به طور کامل اجرا نشده است. این نکته مهمی است که باید گفته شود، سهم آموزش‌وپرورش در عدم تحقق اهداف سند تحول بنیادین به مراتب کمتر از سهم سایر دستگاه‌ها بوده است.

**ممکن است بعد از این هم اقداماتی انجام دهید و دستگاه‌های دیگر باز هم پای کار نیایند. آن وقت چه خواهید کرد؟**

ما در برنامه هفتم تقسیم کار ملی را به عنوان حکم قانونی آوردیم. در نگاهت‌نهادی سند به آن سه زاویه نگاه کردیم و به جمع‌بندی رسیدیم که هفت پروژه ملی تعریف کنیم: پروژه ملی مهارت، پروژه ملی تربیت و تأمین معلم، پروژه ملی ایجاد تجهیزات تربیتی، پروژه ملی اوقات فراغت، پروژه ملی انسداد مبادی بی‌سوادی، پروژه ملی گفت‌مان‌سازی سند تحول بنیادین و پروژه ملی سنجش و تضمین کیفیت، با دستور رئیس‌جمهور، ستاد راهبری و پشتیبانی اجرای سند تحول بنیادین در حضور آقای مخبر، معاون اول ایشان تشکیل شد. در جلسه اول، کلیات پروژه ملی مهارت تصویب شد که ۱۲دستگاه باید در آن نقشی آفرینی کنند. آقای مخبر تأکید کرد که این وظایف باید به تکلیف قانونی تبدیل شود. از اول هم اشکال کار این بود که سند تحول، سیاست است و باید به قانون تبدیل شود. باید حکم، اجرا و ترک‌فعل‌ها و حسن‌فعل‌ها در آن دیده شود. از سوی دیگر پیش‌نویس سند ملی مهارت آموزشی دانش‌آموزان در دستور کار دولت است. در این زمینه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وظایفی دارد، وزارت‌تخانه‌های علوم، صمت و کشاورزی هم‌مینظور. همچنین با دسواسیما نیز وظایفی دارد، بنابراین جواب سؤال شما این است، به لطف خدا نقشه اجرای سند تحول بنیادین در مرحله پایانی خودش است. شاید مهم‌ترین کاری که تا پیش از آغاز سال تحصیلی آینده باید به ملت شریف ایران و به ویژه جامعه تعلیم‌وتربیت عرضه کنیم، این نقشه است.

**عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر در آموزش‌وپرورش از بحران‌های جدی جامعه ماست. شکاف طبقاتی، نابرابری آموزشی ایجاد کرده است و همین نابرابری آموزشی، روزبه‌روز شکاف طبقاتی را تشدید می‌کند. در گذشته دانش‌آموز مستعد دهک‌های پایین می‌توانست از ظرفیت‌های آموزشی استفاده و بخشی از آن نابرابری را از میم و طبقه اجتماعی خودش را عوض کند، ولی امروز عکس این جریان روی می‌دهد. چرا ما به آموزش‌وپرورش رسیدیم که یک دانش‌آموز دوم ابتدایی در حاشیه شهر باید در کلاس ۵۰نفره بنشیند که معلم با کیفیت هم در آنجا وجود ندارد و در مقابل دانش‌آموز دیگری که در بالای شهر زندگی می‌کند با شهریه چندده میلیون تومانی آموزش با کیفیت بالا ببیند.**

اگر بگوییم چرا انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، حتماً جواب اول عدالت است و در مورد عدالت هم دولت‌های مختلف تلاش‌ناش‌انجام داده‌اند. ما وقتی می‌خواهیم درباره عدالت حرف بزنیم، باید به داده‌های گذشته مراجعه و آنها را با وضع حال مقایسه کنیم. معتمدقم مابه طوری که در مسیر عدالت آموزشی بوده‌ام، جاهایی توفیقات خوب و در جاهایی هم توفیقات کمی داشته‌ایم. این حرف درست است که دانش‌آموزی در منطقه حاشیه‌ای حتی حاشیه تهران در کلاس‌های ۵۰نفره درس می‌خواند و در مقابل برخی جاها شرایط آموزشی بهتری دارند، این نقطه کلیدی است که باید حل شود و ما دنبالش هستیم. ما امکانات موجود را به سمت جاهایی که نیاز دارند سرریز می‌کنیم و از حاشیه‌ها به سمت مرکز می‌رویم، بنابراین وقتی محدودیت داریم، به کسی که امکانات کمتری دارد، باید امکانات بدهیم تا او را بالا بکشیم، اما این را بگوییم که امروز در کشور حدود ۲۵هزار کلاس درس و مدرسه وجود دارد که تعداد دانش‌آموزانش زیر ۱۰ نفر است. تنها ۰/۳درصد از کلاس‌های کشور بالای ۵۰نفر هستند. چرائین اتفاق افتاده؟ امر عدالت، باید دلم روی این موضوع بکوشیم چون عوامل بیرونی بر آن اثر می‌گذارد. مثلاً در شهرستان‌های تهران به دلیل مهاجرت، تراکم کلاسی بالاست. از سوی دیگر کمبودفضا داریم. می‌توانیم معلم تأمین کنیم اما به تعداد کافی مدرسه نداریم. مدرسه هم طوری نیست که فوراً بشود آن را ساخت.

**شاید ۰/۳درصد از کلاس‌های کشور بالای ۵۰نفر دانش‌آموز داشته باشد، اما تراکم کلاسی در عمده مدارس دولتی بیش از استاندارد تعیین شده است.**

بله باید تراکم کلاسی استاندارد رعایت شود و در این موضوع باید یگر هم‌عقیده‌ایم، اما عاملش آموزش‌وپرورش است یا سایر نهادها؟

**حتی اگر عاملش وزارت آموزش‌وپرورش هم نباشد و دستگاه‌های دیگر نیز در آن دخالت داشته باشند، ما از شما انتظار داریم برای رفع آن تلاش کنید.**

حتماً بنده دو تکلیف دارم؛ یکی وزارت آموزش‌وپرورش و یکی عضو دولت. مثلاً در جایی ساختمان ساخته شده است ولی مدرسه نساخته‌اند، در حالی که برای مسکن مطالبه جدی می‌کنیم، اما به این قانون که به‌ازای هر ۲۰۰هزار مسکن باید مدرسه ساخته شود، کم‌توجهیم.

**شما به عنوان وزیر آموزش‌وپرورش می‌توانید نقش مهمی در بهبود شرایط داشته باشید.**

من فکر می‌کنم اگر تقسیم کار ملی به صورت رسمی تصویب شود، بخش‌عدهای آن مشکلات حل خواهد شد. ما پیگیر این کار خواهیم بود. جزو اهداف برنامه هفتم نیز هست. امیدوارم تا پیش از شروع سال تحصیلی جدید، تقسیم کار ملی آموزش‌وپرورش کشور روی میز دولت و قانون قرار گیرد.

## آموزش‌وپرورش جای آزمون و خطا نیست

### ■ مهسا گربندی

ادعاهای وزیر آموزش‌وپرورش برای ارتقای کیفیت و برقراری عدالت آموزشی مصداق بارز سنگ بزرگ است که شاید هیچ‌گاه زده نشود. نه اینکه او از روز نخست هیچ گام مثبتی برنداشته باشد، نه، اما چنان در طرح‌ها و برنامه‌های خود غرق شده که ممکن است واقعیت را آنطور که هست، نبیند.

وزیر آموزش‌وپرورش ادعان دارد پیش‌تر طرح‌هایی از سوی وزرای قبلی ریخته شده و اقداماتی نیز صورت گرفته اما اثربخشی کافی را نداشته است. نمی‌توان از این مهم گذشت که اکثر این طرح‌ها، مرحله آزمون و خطا را طی نکرده بودند، پس این زنگ هشداری برای آقای وزیر است که اگر او نیز همه جوانب طرح‌هایش را نسنجد، نه تنها بازی از مشکلات را کم نخواهد کرد بلکه مانند سابق به بار مشکلات افزوده خواهد شد.

شش وزیر-آموزش‌وپرورش در طول ۱۰سال تغییر کرده‌اند؛ هر وزیر آمد و برنامه‌هایی را نوشت و طرح‌هایی هم داد، اما عمده این طرح‌ها یکی پس از دیگری نشان داد، چاره‌ساز نبوده‌اند؛ طرح‌هایی که نه تنها دردی را دوا نکردند بلکه هر کدام به پیکر تحیف آموزش‌وپرورش ضربه زدند و روزبه‌روز آن را ضعیف و ضعیف‌تر کردند. اما مگر نه اینکه آموزش‌وپرورش از مهم‌ترین وزارت‌تخانه‌های کشور است و باید بیشتر به آن توجه شود؟

طی سالیان متمادی اکثر مسئولان نظام آموزشی در حرف به دنبال عدالت آموزشی بودند اما وقتی که کار به مرحله عملیاتی شدن رسید، به مسیر بیراهه‌ای رفتند که در آن هیچ جایی برای توجه به مسئله آموزش و تربیت کودکان مناطق ضعیف جامعه نبود، در نتیجه شکاف آموزشی بیشتر و بیشتر شد. در آخر هر کار به جایی رسید که تنها در یکی از کلاس‌های دانشگاه تهران ۲۱نفر از ۲۶دانشجوی دوره کارشناسی از مدارس خاص بودند و اینها فاجعه نظام آموزشی را به تلخ‌ترین شکل ممکن به رخ کشید.

بی‌تردید وزیر آموزش‌وپرورش باید بر اساس تحقیقات میدانی و مشکلات موجود که سال‌هاست مدرسه، مدیر، معلم، دانش‌آموز و خانواده‌ها را درگیر کرده اقدام کند، چرا که آنها بهتر از هر کسی از چالش‌های موجود در نظام آموزشی باخبرند. طی سالیان متمادی هرگز از معلمان برای تدوین سیاست‌های آموزشی، استفاده و نظرخواهی نشد. آقایان هرگز از معلمان نپرسیده‌اند که چه کموکاستی‌هایی در کلاس درس، مدرسه، منطقه و حتی شهرشان دارند. اصلاً مگر اینها برای‌شان اهمیتی داشته است؟

برنامه‌ها و طرح‌هایی که آقای وزیر به آن اشاره می‌کند، رؤیایی به نظر می‌رسد. نمی‌توان برای ساخت یک مدرسه مجهز چند طبقه در روستای دورافتاده یا محصلرانگشت‌شمار وعده داد، چرا که نه فقط ساخت آن داستان متفاوتی دارد که هیچ کارایی‌ای هم نخواهد داشت؛ وقتی که کار روستا با یک ید او کلاس راه می‌افتد، دیگر چه نیازی به ساختمانی چند طبقه است، ساختمانی که طبقات آن بلااستفاده بماند تا تأثیری در ارتقای سطح کیفی دانش‌آموزان ندارد، بنابراین آنچه گفته می‌شود خوب است، اما آیا همان اندازه که خوب است، عملیاتی هم است؟ یا ای‌همانطور که انتظار می‌رود، نتیجه هم می‌دهد؟

شاید اجرای طرح کارنامه‌دارشدن مدارس در نگاه اول بتواند بین مدارس رقابت ایجاد کند و حتی سطح کیفی آنها را بالا ببرد اما این فقط یک سوی ماجراست. مبادا کارنامه‌دارشدن مدارس موجب گرفتن پول بیشتر از خانواده‌ها شود و به طبقاتی شدن بیشتر نظام آموزشی دامن بزند! شاید بدبینانه به نظر برسد اما این یک حقیقت است؛ مدرسه‌ای که از کیفیت آموزش بیشتری برخوردارند، دانش‌شهره‌ها گران‌قیمتی می‌گردد و حالا شاید آن مدرسه‌ای که کارنامه بهتری داشته باشند، از خانواده‌ها شهریه‌های گران‌قیمتی را طلب کنند، آن وقت تکلیف خانواده‌ها و دانش‌آموزانی که نمی‌توانند وارد این کلاس‌های درس شوند، چیست؟ آیا این خود به شکاف آموزشی دامن نمی‌زند؟ بدون تردید

این چیزی نیست که وزیر آموزش‌وپرورش به دنبال آن باشد اما طرح‌هایی که آزمون و خطای خود را طی کرده و قبل از اجرایی‌شدن همه جوانب آن بررسی نشده باشد، می‌تواند ضررده باشد تا سودآور.

آموزش‌وپرورش با موضوعات بسیاری دست به گریبان است و وظایف گسترده‌ای دارد. بی‌تردید انجام این وظایف به بهترین شکل ممکن، نیاز به کار عملی دارد نه حرف. اگر با حرف می‌شد دردی را دوا کرد، امروز و در پس تمام کنفرانس‌های خبری دیگر نباید هیچ مشکلی باقی مانده باشد. اما آیا به راستی اینطور است؟ پاسخ منفی است چرا که تا امروز وقت و هزینه دانش‌آموزان و حتی کشور بی‌آنکه هیچ‌ثمره یا نتیجه مثبتی در پی داشته باشد، هدر رفته است، بنابراین تا دیرتر از این نشده است، باید برای آن کاری کرد.